

**حدیث روز:**  
امام حسن (ع)  
نعمت‌ها تا هستند ناشناخته‌اند و همین‌که رفتند، قدرشان شناخته می‌شود.

**پلک احساس:**  
بی‌قرار توام و در دل تنگم گله‌هاست  
آه بی‌تاب شدن عادت کم‌حوصله‌هاست

**اوقات شرعی:**  
اذان ظهر: ۱۱/۵۷  
اذان مغرب: ۱۷/۱  
اذان صبح (فردا): ۵/۳۴  
غروب آفتاب: ۱۶/۵۱  
نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۱۷  
طلوع خورشید (فردا): ۷/۴

# ج‌ام‌د‌ای‌ر

شاپه: ۳۶۳۷۷-ISSN۱۷۳۵  
پایگاه اینترنتی: www.jjo.ir  
www.jamejamdaily.ir  
پست الکترونیکی:  
info@jamejamdaily.ir

دوشنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۷ | ۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال نوزدهم - شماره ۵۲۷۰ | استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان | Monday - 2018 Dec 10

**پیش‌بینی آب و هوا سه‌شنبه**  
تهران ۱۴ / ۶  
اهواز ۲۱ / ۱۰  
بندرعباس ۲۷ / ۱۴  
تبریز ۸ / -۱  
رشت ۱۹ / ۱۰  
همدان ۱۱ / -۴  
قزوین ۱۱ / ۰  
قم ۱۵ / ۴

**امروز در تاریخ:**  
تشکیل شورای‌عالی انقلاب فرهنگی به فرمان حضرت امام خمینی (ره) (۱۳۶۳ ش)  
درگذشت علی‌اصغر گرمسیری، بازیگر ایرانی سینما (۱۳۷۹ ش)  
درگذشت آلفرد نوبل، شیمیدان معروف سوئدی (۱۸۹۶م)  
روز جهانی حقوق بشر

**حکمت ۵۰:**  
دل‌های مردم گریزان است، به کسی روی می‌آورند که خوشرویی کند.

**تاکسی نوشت**  
**آن زن به میلاد فکر نمی‌کند!**

❗ می‌گفت همه چیز از کار کردنش در آرایشگاه شروع شد. گفتم من خدوم مسافرکشی می‌کنم تو بمان در خانه. پولمان کم است، ولی برکتش را خدای می‌رساند تو فقط وقتت را بگذار برای بزرگ کردن میلاد پسرمان، چند روز آرام می‌شد و می‌گفت: چشم و اما باز دوباره شروع می‌کرد. بهانه آوردم که اگر قرار باشد خانه نامرتب باشد و غذایم دیر و زود شود، نمی‌خواهم بروی قول داد. قسم خورد که خانه از قبل هم مرتب‌تر می‌شود. جان به لبم کرد که رضایت بدهم، رضایت دادم. دو ماهی رفت حال روحی‌اش خوب بود. خانه مرتب بود. برای میلاد اسباب‌بازی می‌خرید. من هم مسافرکشی می‌کردم و دروغ چرازندگی‌ام راحت‌تر شده بود. ولی دیدی مهندس! یک وقت‌هایی یک جور ناجوری خوشحالی، از همان جوهرگاه در اوج خوشحالی نه دلت مالش می‌دهد و هر لحظه منتظر اتفاقی هستی تا کل زندگی‌ات نخ‌کش شود. از همان حس‌ها که دادم در عروسی لبخند می‌زند و فقط خودش می‌داند وقت رفتن دنبال عروس به یک موتوری زده و فرار کرده و ماهیچه‌های صورتش برای لبخند زدن انکار زنگ زده است.

می‌گفت آن اتفاق افتاد مهندس. یک روز آمد و اصرار کرد که می‌خواهم برای دوره بروم استانبول بیا رضایت بده یا سبورت بگیرم. گفتم این یکی رانه. خون به جگرم کرد. عین مار ضحاک هر شب دم گوشم زبان ریخت، مغرم را خورد. قرار بود یک هفته‌ای برود، برگردد. هزینه‌هایش را آرایشگاه می‌داد. بعد یک هفته زنگ زد که بیشتر می‌مانم. بعد یک نفر را فرستاد دم خانه که برایش پول ببرد استانبول تا خرید کند. بعد تلفن‌هایش را جواب نمی‌داد. بعد یک پیام بلند بالا نوشت که دیگر بر نمی‌گردد و آنجا کار پیدا کرده و خلاص...

مرد حالا صورتش خیس بود. دست گذاشتم روی شانهاش. به مقصد نزدیک شده بودیم. فضا را با گرفتن شماره کارت و جابه‌جا کردن اینترنتی گریه‌اش عادی کردم و گفتم خدا بزرگ است. بینی کشید بالا و با صورت خیس خندید و گفت: نمی‌دانم این شب کوفتی چیست؟ چهار تا ستاره که در آسمان پیدا می‌شود آدم دلش را برای مسافرش پهن می‌کند و سیر تا پیازش را می‌ریزد روی دایره!

از ماشین مرد پیاده شدم و تا منزل به این فکر می‌کردم، یعنی زن این مرد در دقایق قبل از خوابش به میلاد فکر نمی‌کند؟ ❗

## نظارت چین

### بر اخلاق بازی‌های آنلاین

چین یک کمیته اخلاقی برای بررسی مفید بودن و سلامت بازی‌های آنلاین تشکیل داده است. به گزارش مهر، بازی‌های آنلاین در چین بسیار محبوب هستند و حتی مدرسه‌ای در این کشور برای تربیت افراد حرفه‌ای تأسیس شده که بازی رایانه‌ای انجام می‌دهند. این درحالی است که نگرانی‌هایی درباره عوارض این بازی‌ها سبب شده دولت این کشور ممنوعیتی برای تأیید بازی‌های رایانه‌ای جدید تصویب کند. دولت چین از وجود یک کمیته «اخلاق بازی‌های آنلاین» خبر داده که بازی‌های رایانه‌ای را برای سلامت مفید بودن آنها و همین طور پرداختن این بازی‌ها به چالش‌های اجتماعی بررسی می‌کند.

به عبارت دیگر این پنل برای مقابله اعتیاد، خشونت و نزدیک بینی ناشی از رواج بازی‌های آنلاین تشکیل شده است. کمیته مذکور تا به حال ۲۰ بازی را بررسی کرده و ۹ مورد از آنها را رد کرده است. علاوه بر آن خواستار تغییراتی در ۱۱ بازی آنلاین دیگر شده است. البته نام این بازی‌ها و موارد مورد اعتراض کمیته فاش نشده است. به نظر می‌رسد این کمیته اخلاق برای توسعه‌دهندگان بازی‌های رایانه‌ای در دسر ساز شده است. در حال حاضر آنها ماه‌هاست منتظر تأیید بازی‌ها هستند.

## پای حرف‌های «حاج کاظم»، کاسب تبریزی که در فضای مجازی غوغا کرد

# ترازو، حرمت دارد

❗ عکسش مثل یک اتفاق مهم در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد و همه را شگفت‌زده کرد: پیرمردی کنار ترازوی مغازه‌اش در حال وزن کردن چای خشک! این تصویر دنیایی حرف داشت، حرف‌هایی که این روزها نایاب شده، اما تا همین چند سال قبل مرام و سبک زندگی بیشتر کاسب‌ها بود. پیرمرد، چای خشک را در پاکت می‌ریزد؛ نه کیسه پلاستیکی که آفت محیط‌زیست است و تا چند سال دیگر می‌شود تهدیدی برای زندگی. دوم این که پیرمرد وزن همان پاکت کاغذی را هم از وزن چای کم می‌کند که حتی دو سه گرم مال حرام وارد دلش نشود! به زندگی‌اش راه پیدا نکند. پیرمرد، ترازو را حرمت نگه می‌دارد: حرمت میزان، گمشده دورانی که همه دارند از بی‌انصافی می‌نالند، اما چه بخواهیم و چه نخواهیم درون بیشتر ما یک آدم بی‌انصاف دارد برای خودش می‌چرخد و هر زمان که بتواند خودی نشان می‌دهد. عکس پیرمرد و مرام حلال خوری‌اش که دست به دست شد و همه را به تحسین وادار کرد، دکانش شلوع شد؛ نه! مشتری‌هایش بیشتر نشدند، امام جمعه تبریز، اعضای شورای شهر، عکاسان و خبرنگاران به دیدارش رفتند تا تحسین‌اش کنند. همین آمد و رفت‌ها و تحسین‌ها یعنی حاج کاظم کبیر صابز؛ یکی یکدانه‌ای است که باید قدرش را دانست. پیرمرد دوست‌داشتنی آذری که ۸۰ سال دارد و فارسی را به سختی صحبت می‌کند و خودش هم شگفت‌زده شده که سبک کاسبی‌اش این قدر مورد توجه قرار گرفته. مگر دنیا چقدر عوض شده که راه درست کاسبی این قدر نایاب شده؟! تصمیم داشتیم تلفنی با حاج کاظم و مرام کاسبی و زندگی‌اش هم‌صحبت شویم، اما برای پیرمرد آذری سخت بود که جواب سوالاتمان را تلفنی بدهد. آن‌هایتا رحیمی، خبرنگار خبرگزاری فارس در تبریز با ما همکاری کرد و سرآه همشهری‌اش رفت

و سوالات ما را از او پرسید و او صبورانه پاسخ داد. حاج کاظم کبیر صابز، سه پسر دارد و خودش در خانواده‌ای که چهار پسر داشته بزرگ شده. خودش می‌گوید ۶۱ سال است در همین دکان مشغول به کار است. زمانی که پدرش زنده بود کنار او کار می‌کرد. ۸۰ سالش است، اما هنوز هم وقتی از پدرش می‌گوید بغض می‌کند و می‌گوید: «پار و پارو هم بودیم، پدر که مرحوم شد، خودم ماندم و این مغازه.» قناعت‌توانگر کند مرد را. این مثل را حتما حاج کاظم از پدرش و بزرگان‌ش شنیده و آن قدر قوی بوده که حرف را زندگی کرده. درباره قناعت می‌گوید: «در دین ما همواره بر قناعت سفارش شده. اگر همیشه به زندگی آدم‌هایی که زندگی بهتری از ما دارند غیظه بخوریم که همیشه باید در رنج و غصه باشیم، اما اگر به افرادی نگاه کنیم که شرایط سختی دارند آن وقت است که شاگرد داشته‌هایمان می‌شویم و می‌فهمیم که خدا چقدر به ما لطف دارد که ما را نیازمند دیگران نمی‌کند.»

خداوند در قرآن می‌فرماید: وای بر کم‌فروشان! این آیه مسیر کاسبی را به حاج کاظم نشان داده. او مومن است و اعتقاد دارد همه قوانین زندگی و کسب و کار در قرآن ذکر شده و کسی که قرآن می‌خواند، می‌داند که خدا مومنان را دوست دارد. مومن کسی است که منصف است و منصف، ظلم نمی‌کند، آدم نمی‌تواند هم مومن باشد هم ظالم! حاج کاظم روش برخی کاسب‌های این دوره و زمانه را نمی‌پسندد و می‌گوید: چرا باید مثلا یک میوه‌فروش، میوه‌های خراب را هم قاطی میوه‌ها کند و به مردم بفروشد! اینجوری اعتماد مردم را خراب می‌کند. روزگار عجیبی شده. همه جا خوب و بد وجود دارد و در بازار هم همین‌طور است، هنوز هم کاسب‌های خوبی هستند که انصاف دارند و رعایت حال مردم را می‌کنند.

### حاج کاظم از جوانی مغازه‌دار بوده، با این‌که ۸۰ سال دارد، اما شاگرد ندارد و به تنهایی دکان را اداره می‌کند، قدیم‌ها رسم بر این بود که شاگردی هم وردست مغازه‌دار می‌ایستاد تا هم به او کمک کند هم خودش راه و رسم بازار و کاسبی را یاد بگیرد، از حاج کاظم می‌پرسم چرا شاگرد ندارد، می‌گوید: من در این مغازه چای و برنج به صورت جزئی می‌فروشم. کار و کاسبی‌ام آنقدر زیاد نیست که بتوانم شاگرد بیاورم، درآمد آنقدر است که بتوانم معاش خانواده خودم را تأمین کنم. پیرمرد تبریزی آرامشی دارد که غیظه‌برانگیز است آن هم در زمانه‌ای که بیشتر کاسب‌ها از بالا و پایین شدن بازار می‌نالند و چک برگشتی و سود و زیان‌های بزرگ خواب و خوراک را از آن‌ها گرفته است، حاج کاظم درباره آرامشش می‌گوید: شب سرم را روی بالش می‌گذارم و می‌خواهم بدون عذاب وجدان. سعی می‌کنم گناه نکنم که بعدش عذاب بگیرم. نماز را اول وقت می‌خوانم. صدای اذان که بلند می‌شود به مسجد می‌روم و نماز را به جماعت می‌خوانم. نماز اول وقت آدم را از ناامنی و گرفتاری نجات می‌دهد. وقتی می‌توانم با

مردم خوشرو و خوش اخلاق باشم چرا تندخویی و اخم کنم. وقتی با راستگویی آرامش دارم چرا دروغ بگویم که بعدش عذاب بگیرم. پام را اندازه گلیمم دراز می‌کنم و حسرت هیچ چیزی را ندارم. خدا را شاکرم که آنقدر به من توان داده که بتوانم امورات زندگی‌ام را تأمین کنم و نیازمند کسی نباشم.

حاج کاظم سخنش را با حکایتی که از سبک زندگی امیرالمومنین (ع) شنیده به پایان می‌رساند: «روزی مولای (ع) از جلوی مغازه قصابی عبور می‌کرد، قصاب ایشان را دید و گفت: یا امیرالمومنین گوشت خوب و مناسبی دارم، مقداری از آن را برای منزل خریداری کنید. امام علی(ع) فرمود: پول همراهم نیست. قصاب گفت: مشکلی نیست من بابت پول آن صبر می‌کنم و هر موقع توانستید پولش را بیاورید. حضرت فرمود: خیر! من نسبت به خرید گوشت صبر می‌کنم و نسبیه نمی‌خرم! اگر سبک زندگی امیرالمومنین(ع) را انتخاب کرده و به مولایمان اقتدا کنیم حتما زندگی بهتر و آرام‌تری خواهیم داشت.» ❗

بیماری‌های قلبی-عروقی و مرگ‌ومیر را افزایش دهد. تحقیق مذکور توسط چوآنگ شی وانگ دانشجوی دکتری در ملک مستر و کالج پزشکی پیکینگ یونیون در چین انجام شده، او معتقد است این خطر برای کسانی که چرت روزانه انجام می‌دهند نیز رو به افزایش است. خواب کمتر از شش ساعت در شب نیز خطر حمله قلبی را ۹ تا درصد افزایش می‌دهد. آمارگرفته شده در سال ۲۰۱۴ نشان داد بیش از ۳۵/۲ درصد از بزرگ سالان آمریکایی کمتر از هفت ساعت در شب می‌خوابند.

## پیوستن ایران به کمپین زینب



به دستور مدیرعامل سازمان انتقال خون ایران، جست‌وجو در بانک‌های اطلاعاتی گروه‌های خون نادر ایران برای یافتن خون سازگار با زینب، کودک دو ساله‌ای که مبتلا به سرطان است، آغاز شد. به گزارش ایسنا، در پی فراخوان یک موسسه غیرانتفاعی در آمریکا، یک کمپین جهانی برای کمک به کودکی دو ساله به نام زینب موقال سرطان است، آغاز شد. مبتلا به سرطان به جریان افتاده است. او برای درمان به اهدای گروه خونی بسیار کمیابی نیاز دارد. گروه خون این کودک یکی از نادرترین انواع گروه‌های خونی است و این مساله روند درمان او را با مشکل روبه‌رو کرده است. مسؤولان این موسسه می‌گویند که تاکنون حدود ۱۰۰۰ نفر آزمایش شده‌اند، اما فقط سه نفر از آنها گروه خون مناسب برای انتقال به زینب را دارا هستند. پزشکان می‌گویند برای درمان سرطان او حداقل به ۱۰ نفر اهداکننده خون نیاز است. اوایل امسال پزشکان تشخیص دادند که زینب به بیماری نوروبلاستوما مبتلاست. این سرطان تهاجمی و بسیار نادر اغلب در نوزادان و کودکان خردسال دیده می‌شود.



عکس: خبرگزاری صدا و سیما

قوهای سفید سیبری به مازندران رسیدند